

نرخ بیکاری و عوامل مؤثر بر آن

قهرمان روغنی شهرکی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شهر کرد

چکیده

یک مسئله‌ی متداول در همه‌ی جوامع بشری، پایش و کنترل شاخص‌های مهم اقتصادی - اجتماعی است. نرخ بیکاری یکی از این شاخص‌هاست که پایش و اعمال سیاست در خصوص کنترل یا ایجاد تغییر دلخواه در آن از دغدغه‌های دولتمردان محسوب می‌شود. در این مقاله، نحوه‌ی محاسبه‌ی نرخ بیکاری و مؤلفه‌های مهم تأثیرگذار بر آن با نثری ساده ارایه شده است.

کلیدواژه‌ها: نرخ بیکاری، شاغل، بیکار، وضع فعالیت.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های آماری که برای مردم و مسئولان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، نرخ بیکاری است. اما نرخ بیکاری چگونه محاسبه می‌شود و عوامل مؤثر بر آن کدامند؟

در این نوشته سعی شده است نرخ بیکاری و عوامل مؤثر بر آن با بیانی ساده به همراه یک مثال معرفی گردد. برای محاسبه‌ی نرخ بیکاری در یک جامعه، ابتدا جمعیت را به دو مجموعه تقسیم می‌کنند [۱]:

مجموعه‌ی اول: مجموعه‌ی افراد ده ساله و بالاتر

مجموعه‌ی دوم: مجموعه‌ی افراد کمتر از ده سال

با توجه به این که افراد مجموعه‌ی دوم (افراد کمتر از ۱۰ سال) به سن فعالیت نرسیده‌اند، لذا در بررسی وضع فعالیت، تنها افراد مجموعه‌ی اول مدنظر قرار می‌گیرند.

پس از بررسی روی وضع فعالیت افراد ۱۰ ساله و بالاتر، این مجموعه به مجموعه‌های کوچک‌تر زیر افراز می‌شود [۱].

(۱) مجموعه افراد شاغل

(۲) مجموعه افراد بیکار

جدول (۱)

تعداد جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر (نفر)	شرح
۱۲۰	جمعیت شاغل
۸۰	جمعیت بیکار
۲۰	دارای درآمد بدون کار
۷۰	خانه‌دار
۶۰	در حال تحصیل
۵۰	سایر (نا امید از پیدا شدن کار، مریض احوال و ...)
۴۰۰	جمع کل

۳) مجموعه افراد دارای درآمد بدون کار

۴) مجموعه افراد خانه

۵) مجموعه افراد در حال تحصیل

۶) سایر

لازم به ذکر است این تقسیم‌بندی بر اساس تعاریف و قراردادهای

زیر انجام می‌گیرد:

شاغل: فرد ۱۰ ساله یا بالاتر از ۱۰ ساله‌ای که در طول هفته‌ی

مرجع (بازه‌ی زمانی هفت روزه‌ای که وضع فعالیت افراد در این بازه‌ی

زمانی مدنظر می‌باشد) حداقل یک ساعت کار کرده باشد [۱].

بیکار: فرد ۱۰ ساله یا بالاتر از ۱۰ ساله‌ای که سه شرط زیر را

توأمان دارا باشد [۱].

● در هفته‌ی مرجع حتی یک ساعت هم کار نکرده باشد.

● آمادگی برای انجام کار داشته باشد.

● در هفته‌ی مرجع و سه هفته قبل از آن، جویای کار بوده باشد

(اقدامات مشخصی را به منظور جستجوی اشتغال مزدبگیری یا خود

اشتغالی به عمل آورده باشد).

به استناد تعاریف مورد استفاده، خانم‌های خانه‌دار، دانشجوین،

افراد معلول و مریض احوال و افراد بدون شغلی که به دلیل ناامیدی

از پیدا کردن شغل در جستجوی کار نبوده‌اند، متعلق به مجموعه

بیکاران نخواهند بود.

نرخ بیکاری: از تقسیم تعداد افراد بیکار جویای کار بر مجموع

افراد بیکار و شاغل حاصل می‌شود. برای بیان راحت‌تر این نرخ،

معمولاً آن را در ۱۰۰ ضرب کرده و به درصد بیان می‌کنند [۲].

اگر تعداد جمعیت بیکار را با P_{UNE} ، تعداد جمعیت شاغل را با P_E

و نرخ بیکاری را با R_{UNE} نشان دهیم، فرمول محاسبه‌ی نرخ بیکاری

به صورت زیر خواهد بود:

$$R_{UNE} = \frac{P_{UNE}}{P_{UNE} + P_E} \times 100$$

مثال: در سرشماری از روستای فرضی «فرض آباد»، کل جمعیت

۵۴۰ نفر و جمعیت افراد کمتر از ۱۰ سال ۱۴۰ نفر بوده است. ترکیب

جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر این روستا (از نظر وضع فعالیت) به صورت

جدول زیر بوده است.

با توجه به اطلاعات جدول، نرخ بیکاری برابر با

$$R_{UNE} = \frac{80}{80 + 120} \times 100 = 40\%$$

عوامل مؤثر بر نرخ بیکاری

با توجه به این که در محاسبه‌ی نرخ بیکاری تنها دو مؤلفه P_{UNE}

(جمعیت بیکار) و P_E (جمعیت شاغل) در نظر گرفته شده‌اند، لذا هر

عاملی که باعث تغییر یکی از این دو مؤلفه (و یا هر دو مؤلفه) گردد،

نرخ بیکاری را دستخوش تغییر خواهد نمود.

با توجه به توضیحات فوق، می‌توان روش‌های کاهش نرخ بیکاری

را در قالب ۲ روش کلی خلاصه نمود.

روش (۱) ایجاد فرصت‌های جدید اشتغال در

جامعه:

با ایجاد فرصت‌های جدید اشتغال در جامعه، تعدادی از افراد

بیکار شاغل شده و در نتیجه از جمعیت بیکاران کاسته می‌شود و

نهایتاً این کاهش، منجر به کاهش نرخ بیکاری می‌گردد.

مثلاً اگر در زمان ۱، تعداد جمعیت بیکار R_{UNE}^1 و جمعیت

شاغل P_E^1 باشد، و پس از آن برای K نفر از بیکاران شغل ایجاد

شود، در زمان ۲ تعداد بیکاران برابر $R_{UNE}^2 = R_{UNE}^1 - K$ و تعداد

شاغلین $P_E^2 = P_E^1 + K$ خواهد بود. اکنون با محاسبه‌ی نرخ بیکاری

در زمان‌های ۱ و ۲ خواهیم داشت:

جدول (۲)

تعداد جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر (نفر)	شرح
۱۲۰	جمعیت شاغل
۴۰	جمعیت بیکار
۲۰	دارای درآمد بدون کار
۷۰	خانه‌دار
۱۰۰	در حال تحصیل
۵۰	سایر (نا امید از پیدا شدن کار، مریض احوال و ...)
۴۰۰	جمع کل

$$R_{UNE}^1 = \frac{R_{UNE}}{R_{UNE}^1 + P_E^1} \times 100$$

$$R_{UNE}^2 = \frac{R_{UNE}^2}{R_{UNE}^2 + P_E^2} \times 100 = \frac{R_{UNE}^1 - K}{(R_{UNE}^1 - K) + (P_E^1 + K)} \times 100$$

$$= \frac{R_{UNE}^1 - K}{R_{UNE}^1 + P_E^1} \times 100$$

با مقایسه‌ی نرخ بیکاری در دو زمان ۱ و ۲ مشاهده می‌شود که مخرج کسر در هر دو کسر یکسان ولی صورت کسر در نرخ بیکاری در زمان ۲ کمتر از زمان ۱ بوده و لذا:

$$R_{UNE}^2 < R_{UNE}^1$$

به عنوان مثال اگر در آبادی فرض آباد ۱۰ فرصت شغلی جدید

ایجاد گردد، آن‌گاه تعداد شاغلین به ۱۳۰ نفر و تعداد بیکاران آبادی

به ۷۰ نفر تغییر خواهد یافت و با این تغییرات، نرخ بیکاری از ۴۰٪ به

$$R_{UNE}^2 = \frac{70}{130 + 70} \times 100 = 35\% \text{ کاهش خواهد یافت.}$$

روش (۲) کاستن از جمعیت بیکار بدون ایجاد اشتغال

گاهی اوقات بدون ایجاد فرصت شغلی جدید، با اعمال برخی از سیاست‌ها جمعیت بیکار کاهش می‌یابد ولی جمعیت شاغل افزایش نمی‌یابد. در این حالت، صورت و مخرج کسر در فرمول نرخ بیکاری هردو کاهش می‌یابد ولی آهنگ کاهش صورت از آهنگ کاهش مخرج بیشتر بوده و در نتیجه تغییرات منجر به کاهش کل کسر (نرخ بیکاری) می‌گردد.

برای درک بهتر این مطلب، مجدداً روستای فرض آباد را که در آن ۸۰ بیکار در مقابل ۱۲۰ شاغل وجود داشت به یاد آورید و تصور کنید در این روستا، به جای ایجاد اشتغال فرصت تحصیل فراهم گردد و مثلاً دانشگاهی ایجاد شود و تعداد ۴۰ نفر از بیکاران مشغول به تحصیل گردند. در این صورت، ترکیب وضعیت افراد ۱۰ ساله و بالاتر آبادی به صورت جدول زیر تغییر خواهد کرد:

جدول (۳)

تعداد جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر (نفر)	شرح
۱۲۰	جمعیت شاغل
۲۰	جمعیت بیکار
۲۰	دارای درآمد بدون کار
۷۰	خانه‌دار
۱۰۰	در حال تحصیل
۷۰	سایر (نا امید از پیدا شدن کار، مریض احوال و ...)
۴۰۰	جمع کل



به زمان آینده محسوب می‌شوند و در صورتی که با برنامه‌ریزی برای آینده نیاز آنان در آینده پاسخ داده شود، می‌توانند نویدبخش آینده‌ای روشن برای افراد جامعه (و در نتیجه کل جامعه) باشند. لیکن اگر برنامه‌ای برای آینده‌ی جامعه وجود نداشته باشد، روش دوم چیزی جز انتقال نرخ بیکاری و مشکلات ناشی از آن به زمان آینده محسوب نمی‌شود.

لذا نرخ بیکاری در وضعیت اخیر برابر با

$$R_{UNE} = \frac{20}{20+120} \times 100 = 14.3\%$$

یعنی این که بدون

ایجاد حتی یک فرصت شغلی، نرخ بیکاری از ۴۰٪ به ۱۴/۳٪ کاهش یافته است.

طبیعی است که هر کدام از روش‌های ۲ گانه‌ی فوق موجب آثار و تبعات اجتماعی فراوانی در حال و آینده هستند. مثلاً روش اول علاوه بر کاهش بیماری، باعث ایجاد درآمد برای خانوارها و در نتیجه گردش چرخ زندگی آنان و افزایش ثروت ملی می‌گردد. اما در روش دوم، چون دانشجویان امروز جویندگان کار فردا هستند، در واقع انتقال انتظار شغل

منابع

۱. مرکز آمار ایران. (۱۳۸۷) نتایج آمارگیری از نیروی کار. تابستان ۱۳۸۷، تهران.
۲. تاجداری، پرویز. جمعیت‌شناسی و بازسازی نیروی انسانی. انتشارات اتا.
۳. مرکز آمار ایران. (۱۳۸۶). تعاریف و مفاهیم استاندارد آماری. تهران، مهر ۱۳۸۶.